

محسن اسلامزاده، مستندساز درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# ماجرای پارسال سیستان و بلوچستان ابهامات زیادی دارد



معین احمدیان دبیرگروه فرهنگ

سه روز پیش از افتتاح مهم‌ترین رویداد سینمایی در حوزه مستند، واقعه‌ای هولناک در استان شرقی ایران رقم خورد. باامداد ۲۴ آذرماه، در پی حمله تروریستی به مقر انتظامی شهرستان راسک استان سیستان و بلوچستان تعدادی از ماموران انتظامی به شهادت رسیدند. شاید بگویید که نمی‌شود ارتباط معنایی بین این دو رخداد، یعنی برگزاری یک جشنواره مستند و اتفاقات اخیر سیستان و بلوچستان پیدا کرد، اما کافی است وقایع یک سال اخیر جنوب شرقی کشور را مرور کنید تا ببینید که حمله تروریستی نیمه شب ۲۴ آذرماه نمونه متاخری از این اتفاقات بوده است و جای تاسف دارد که هیچ مستندی در جشنواره حقیقت اسمال نداریم که به اتفاقات یک سال اخیر سیستان و بلوچستان پرداخته باشد. محسن اسلامزاده از جمله مستندسازانی است که چند اثر مهم با محوریت مسائل سیستان و بلوچستان ساخته است. با او درمورد تصویری که رسانه از سیستان و بلوچستان ساخته صحبت کردیم و او از موانعی که پیش روی مستندسازان برای تصویر کردن واقعیت‌های اتفاقاتی گفت که یک سال اخیر در سیستان و بلوچستان وجود دارد.



یکی از گزاره‌هایی که در مورد مردم و مسائل استان سیستان و بلوچستان مطرح می‌شود این است که می‌گویند تصویری که از این منطقه توسط رسانه‌های رسمی ارائه می‌شود، نزدیک به واقعیت‌ها و مسائل اصلی نیست. چقدر این گزاره درست است و مستندساز برای اصلاح چنین تصویری چه باید بکند؟ شکی نیست که در فضای رسانه، نسبت به سیستان و بلوچستان همیشه کم‌لطفی شده است؛ و در سریال و فیلم‌سازی تا رسانه‌ها و مستندسازان برای نمایش واقعیت آنجا، هیچ‌وقت کار جدی مثبت صورت نگرفته است. حدوداً هفت، هشت سال پیش، مستندی به نام حماسه‌های خاموش ساختیم که درباره یکی از جنبش‌های ضدانگلیسی منطقه سیستان و بلوچستان بود. در این مستند به قیام مردم بلوچ به رهبری جنید خان اشاره کردیم که اتفاقاً فرای انگلیس را زمین‌گیر کرده بودند. یک ژنرال انگلیسی هم کتابی درباره این قیام نوشته و یکی از اساتید دانشگاه ایران این کتاب را از لندن می‌آورد و ترجمه می‌کند. همین نمونه مهم هم سال‌ها نادیده گرفته شده بود و ما بعد از سال‌ها درباره آن مستند ساختیم. اگرچه بنا به دستور رهبری درباره این حماسه، دستور ساخت فیلم داده شد اما نتیجه این کاریک فیلم بسیار ضعیف با بودجه بسیار هنگفت بود و حق مردم منطقه هم نادیده گرفته شد. یکی از افراد بومی آن منطقه هم تا چند سال دنبال دادگاه و پاسگاه بود که حق من در این قیام نادیده گرفته شده و کلی کمک کردم و نهایتاً فیلم هم آرشو شد. حرفم این است که همیشه به سیستان و بلوچستان کم‌لطفی شده است، حتی زمانی که قرار است در رسانه به آنها بپردازیم. از زمانی که رسانه و دولت دست رفقای ما نبود تا الان مورد کم‌لطفی بوده است. در تصویرسازی از این



منطقه، نگاه‌ها عموماً تهدیدمحور است. نگاهی به اتفاقات سال گذشته ببیند ایدی، می‌توانید همین جنس نگاه‌تهدیدمحور به آن منطقه را ببینید. سال گذشته دو مدل مشکل در کشور داشتیم که اسم آن را اغتشاش می‌گذارند. یکی بحث اعتراضات خیابانی در مورد مساله حجاب و زنان بود و دیگری مربوط به اتفاقاتی بود که در استان سیستان و بلوچستان رخ داد. اما واقعیت این است که اتفاقات آن منطقه، رخدادهایی در ابعاد کوچک‌تر بود و نسبتی با مساله اول نداشت. قاطبه مردم و علمای این استان، اهل دین و دیانت هستند و روی خانواده و فرهنگ تعصب دارند و هنوز لباس قومیتی خود را کنار نمی‌گذارند، چه برسد از چیزهای دیگر دست بکشند. اما باز هم در بازتابی این حوادث و تفکیک آن دو مدل اغتشاش کوتاهی کردیم. ببینید درمورد اتفاقاتی که در چابهار رخ داد، یک سری اتهامات وارد شده است که مشخصاً در مورد یک شخص بود و اگر درست ورود می‌کردیم، یعنی رسانه‌های انقلابی داخل کشور درست ورود می‌کردند. کار دست ضدانقلاب نمی‌افتاد که اقتدر مساله بغرنج شود. خلاصه اینکه کوتاهی کردیم و هنوز هم در قبال سیستان و بلوچستان کوتاهی می‌کنیم و من می‌ترسم نمره کار شهید شوشتری‌ها و آنهایی که در سیستان و بلوچستان رفتند و بذر محبت کاشتنند با بی‌فکری برخی از مسئولان به باد برود.

**شما به کوتاهی رسانه‌ها اشاره کردید که باعث شد مردم بلوچ یا سیستانی تصویر خود را در رسانه نبینند، یعنی آینه تمام‌نمایی از اتفاقات آنجا نیست. اما این تصویری که از آنها ارائه شده و عمدتاً تهدیدمحور است، از کجا شکل گرفته است؟ آیا این تصویری که ارائه شده با واقعیت خیلی فاصله دارد یا خیر؟**  
این تصویری که امروز می‌بینیم با واقعیت فاصله دارد و خیلی زیاد هم فاصله دارد. خود آنها اعتقاد دارند کم‌سن و سال‌ترین شهید مربوط به بلوچستان است و شهید سبیل اخلاقی است که ۱۲-۱۱ ساله بود و اهل نیک شهر است. اگر این شهید در پردیسان تهران بود چقدر هر سال بزرگداشت گرفته می‌شد و فیلم برایش می‌ساختند. این بی‌ترجهی تاریخی یک پیشینه دارد که موارد مثبت این بخش از ایران دیده نشود. ممکن است این به خاطر ذهنیتی است که در ما شکل گرفته اما یک پیشینه تاریخی هم دارد چون منطقه سیستان و بلوچستان همیشه یک حکومت گریزی به خاطر ظلم‌هایی که در حق آنها شده داشته است. مثلاً در برخی از مناطق بلوچستان می‌روید به غیربلوچ، قجر می‌گویند. یک بار آنجا پیش یکی از دوستان بودم، می‌خواست من را به یک فرد دیگری معرفی کند که با او مصاحبه بگیرم، می‌گفت این اسلامزاده بچه خوبی است و قجر است. گفتیم من قاجار نیستم و من فارسم. گفت اینجا به غیربلوچ، قجر گفته می‌شود. خوب این یک پیشینه تاریخی دارد؛ کشتار قاجاریه در قلعه ایرانشهر به قدری سنگین بود که اینها به غیر از بلوچ، قجر می‌گویند. در زمان ستمشاهی و پهلوی هم این اتفاق افتاده و اینها را چندین بار قتل عام کردند. برعکس نگاه انقلابیون که در آن منطقه رفتند و اتفاقاً تلاش چهارگدان انقلاب مستعد قصبه‌های زیادی است. یک فیلم سینمایی در آن منطقه ساخته شده که برای سال ۱۳۶۸ است، به نام «تابستان ۵۸»، و به کارگردانی مجتبی راعی. قصبه در مورد بچه‌های جهاد به سیستان و بلوچستان است. آنجاها اتفاقات بزرگی افتاده اما ما هنوز این ذهنیت را داریم که فیلم‌هایی با محوریت قاجاق مواد مخدر را نشان دهیم و نمونه مشهور زینال بندری و... را در ذهن داریم. یک فامیل به نام گرگیچ داریم، که در اینها اقتدر افراد فریخته وجود دارد، ولی در فیلم‌های قاجاق مواد مخدر می‌دیدیم اسم قاجاقچی را گرگیچ گذاشتند. پس رسانه و سینما در یک دوره هم یک تصویر ذهنی را برای این منطقه شکل دادند و ضرب‌های بیخودی به برخی خشونت‌های این محیط جغرافیایی داده شد. همان‌طور که این منطقه عبدالملک ریگی داشت، شهید ریگی را هم دارد که یکی از اعضای ارشد ما در کنسولگری مزار شریف بود و خودش قربانی تروریست بود. بعضاً شاهد این هستیم برای اینکه اینها در اصفهان یا شهرهای دیگر زندگی کنند، مجبورند فامیلی خود را عوض کنند؛ یکی از بچه‌ها که فامیل او ریگی بود به یکی از شهرها رفته بود و می‌گفت فامیل من بیگی است، نه ریگی! در صورتی که با طایفه ریگی، سردار بشیر ریگی که الان به رحمت خدا رفته، صحبت کردیم که ۲۰ سال شهردار شهر میرجاوه بوده و کل طایفه و اقوام او، افرادی فرهیخته و فرهنگی هستند و الان نیز پسر او شهردار میرجاوه است. اما ما اینها را نشان ندادیم.

اگر می‌خواهم در بزنگاه‌ها، اوضاع را در سیستان و بلوچستان کنترل کنیم باید بدانیم که جنگ امروز جنگ رسانه است. رهبر انقلاب چندین بار تکرار کردند اگر از اتفاقاتی که می‌افتد قرائت خود را بیان نکنید، دشمن سوار ماجرا می‌شود و قرائت خودش را سوار می‌کند.

**تصویر سیستان و بلوچستان در رسانه‌ها مردم این منطقه را تبدیل به دیگری کرده که گویی جدای از کل ایران است. این تصویر در رسانه منعکس می‌شود و در لابه‌های زیرین اجتماع نیز رسوخ می‌کند؛ در حالی که به لحاظ باستانی ما رستم سیستانی را داشتیم و ایرانی‌ترین آدم‌ها در این منطقه زندگی کردند و مرزبان‌های حقیقی ایران هستند. این دیگری ساختن از آدم سیستانی و بلوچ، نهایتاً منجر به این می‌شود که باید آنها را حذف کنیم و در بدترین حالت ممکن دشمن‌شان بدانیم. به نظر شما آن چیزی که در بزنگاه‌های تاریخی رخ می‌دهد، چقدر ماحصل همین تصویری است که به قول شما از دل رسانه شکل گرفته است؟**  
چند نکته را باید بگویم. اولاً استان سیستان و بلوچستان به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یکی منطقه سیستان است که عزیزان سیستانی هستند و دیگری منطقه بلوچستان است و عزیزان بلوچ هستند. البته اینقدر مرادوه فامیلی داشتند در هر دو منطقه هم بلوچ و هم سیستانی داریم؛ ولی مسائل آنها با هم خیلی فرق دارد. منطقه سیستان یک جور مظلومیت می‌کشد که سر ماجرای آب و بی‌آبی است که شاید بدترین منطقه ایران از این لحاظ باشد ولی باز هم این مردم اقتدر صبور هستند که خیلی کم می‌بینند آنجا اعتراضی شود. اما به همین مورد اتفاقات سال گذشته منطقه بلوچستان که از چابهار یعنی جنوبی‌ترین نقطه بلوچستان شروع شد، نگاه کنید؛ مهم‌ترین مساله این بود که مردم خودشان و مسائلشان را در رسانه‌ها ندیدند. کسی نبود که از مشکل‌شان بگوید و جالب این است که در واقعیت و در پشت صحنه ماجرا به سرعت پیگیری شد. در پشت صحنه چندین قاضی مامور شدند تا به سرعت کار پیگیری شود اما ما خوب را از رسانه خوردیم.

با این حال این را هم بگویم که مردم هیچ وقت حتی الان هم حس وادادگی

نسبت به نظام و کشور ندارند. شاید در برخی مناطق، تفکرات تجزیه‌طلبانه وجود داشته باشد اما در سیستان و بلوچستان هیچ‌گاه چنین تفکری نبوده و نیست و اصلاً جایگاهی ندارد. مردم در سیستان و بلوچستان همواره در موضع انفعال می‌گویند ما هم ایرانی هستیم، ما هم شهروند این کشور هستیم، ما هم نیازمند توجه هستیم. یک نکته بیان کنم که نظام اینجا کار کرده و کار هم می‌کند ولی سر برخی از پیج‌های تاریخی حتی دستورات مقام معظم رهبری هم اینجا به درستی اجرا نمی‌شود. تمام خدماتی که شده و تمام کارهای جهادی تحت الشعاع قرار می‌گیرد؛ مساله این است.

**اینکه می‌گویند در خیلی از مسائل استان، حاکمیت کنار مردم بوده اما در رسانه دیده نمی‌شود، مقصر کیست؟ آیا این درست است که همه تقصیرها را گردن رسانه‌ها بیندازیم یا موانعی فرامتن و فهم رسانه هستند که اجازه نمی‌دهند رسانه‌ها فرآیند طبیعی خودشان را طی کنند و مانع بازتابی واقعیت آن منطقه می‌شوند؟**

رسانه‌ها و جریان مستندساز دوست دارند سراغ مسائل اصلی بروند، گزارش بگیرند، مستند بسازند و خبیر تصویری از آنجا بیرون بیاید، ولی اجازه نمی‌دهند. سال گذشته یک بار یکی از بچه‌ها می‌خواست مستندی برای تک درختی در چابهار بسازد که یکی آن را بریده بود و قصه‌ای داشت که تک درخت نخل در ساحل بلوچستان بود. اما برای ساخت چنین سوژه‌ای هم به او مجوز ندادند و گفتند تا اطلاع ثانوی در سیستان و بلوچستان اجازه فیلمبرداری ندارید. او گفت موضوع من نه سیاسی است و نه انتقادی، چرا اجازه نمی‌دهید بروم؟ بالاخره هم بنا به دلایلی موافقت نشد. بسته عمل کردن به لحاظ رسانه‌ای راه به جایی نمی‌برد. بالاخره باید قدری بازر باشد، کار انجام و فیلم ساخته شود، باید اجازه دهند انتقاد شود. هیچ کسی نمی‌خواهد کل سیستم یا یک نهاد را زیرسوال ببرد، حداقل در بچه‌های ما اینطور است. فردی اشتباهی می‌کند و تاوانش را یک استان، یک کشور و یک نظام پس می‌دهد. همه جا ممکن است آدم‌هایی باشند که اشتباه کنند و شاید فردا من هم اشتباهی انجام دهم. اما برای جامعه مستندسازان باید بیاید قضیه را لاپوشانی کنند که محسن اسلامزاده این کار را نکرده یا اگر کسی بفهمد، می‌گویند همه مستندسازان اینطور هستند؟ این تفکر برای چندسال پیش است؟ یک نفر اشتباهی مرتکب می‌شود و با او برخورد می‌شود. از ثانیه اول باید اطلاع‌رسانی درست می‌شد و قبول می‌کردیم که اشتباه کرده‌ام. مردم اقتدر بزبورگار هستند که بپذیرند اشتباه شده است، مردم سیستان و بلوچستان هم اینطورند و خیلی‌ها گفته‌اند اگر همانجا به ما گفته می‌شد فلاتی خطایی کرده و با او برخورد می‌شود و پیگیری می‌کنیم، هم اعتماد مردم به نهاد‌ها زایلتر می‌شد و هم اعتماد به نظام بیشتر می‌شد و یک سری از مشکلات پیش نمی‌آمد.

**اتفاقاتی که بعد از آن رخ داد و تا ۸ مهر پیش رفت، به خاطر این بود؛ جاهایی که باید به خیلی از سوالات پاسخ داده می‌شد، پاسخ داده نشد و پیگیری‌ها در معرض رسانه قرار نگرفت. افراد و رسانه‌های نامحرمی آمدند و پاسخ‌های مردم این منطقه را بنابر منافع سیاسی خودشان دادند و بزین روی این آتش ریختند. فکر می‌کنید اگر پاسخ به این سوالات در منظر رسانه داده می‌شد، به امنیت و انتظام منطقه تا چه میزان کمک می‌کرد؟**  
من یک گام جلوتر را بیان می‌کنم و می‌گویم اگر در این اتفاقات به رسانه اعتماد می‌شد و روند مشکلی که آنجا پیش آمده و پیش می‌رفت به موقع رسانه‌ای می‌شد، اصلاً مشکلی پیش نمی‌آمد، بزینری در آتش ریخته نمی‌شد و کسی بهانه‌ای نداشت که بخواهد فکشن‌کشی کند و بحث‌های مختلف راه بیندازند. ما بازنده رسانه‌ای هستیم. حس من این است تنها شخصی که در این کشور درک می‌کند رسانه چقدر مهم است شخص رهبری هستند و بقیه بهرانی ایشان جلو نمی‌آیند. آقا چه صورت مستقیم در چند دیدار بیان کردند که به لحاظ رسانه‌ای ضعیف هستیم؟ حدود هفت، هشت سال پیش در جلسه‌ای بودم که ایشان فرمودند جهاد امروز رسانه‌ای است. اما انگار این مسئولان درک نمی‌کنند و همیشه فکر می‌کنند مستندسازان، خبرنگاران و عکاسان دست و پاگیر هستند و باعث دردسر می‌شوند و تنش درست می‌کنند. شاید اتفاقات بدی هم بیفتد و دو خبیر هم در برود و مشکل درست کند ولی برآیندش مثبت است.

**همچنان این مقاومت برای نشان دادن تصویر واقعی اتفاقات سال گذشته سیستان و بلوچستان وجود دارد. آثاری که در این باره ساخته شده، هنوز اجازه انتشار ندارد. درحالی که همین کارها می‌توانست پاسخ‌ی باشد به بخشی از ابهامات و اتفاقاتی که سال گذشته رخ دادند اما انگار هنوز این هضم و رواداری نسبت به گفتن واقعیت وجود ندارد؟**  
من که هیچ، صحبت‌های آیت‌الله محامی امام جمعه و پیگیری‌های او را بخوانید. او از روند رسیدگی به پرونده ۸ مهره گلابه دارد و می‌گوید عده زیادی از واقعه هشت مهر سال گذشته گلایه‌مندند و همچنان سوال دارند که ما برای بخشی از اینها جوابی نداریم. ببینید هنوز ایشان به عنوان نماینده مقام معظم رهبری در سیستان و بلوچستان قانع نشده‌اند و دنبال این هستند که ببینیم چطور شد و چرا پیگیری و رسانه‌ای نمی‌شود. پس ابهامات وجود دارد اما نمی‌گذارند پاسخ داده شود. با این دست فرمان رفتن کار را در این استان سخت‌تر می‌کنند، باید فکری به حال این ماجرا شود و در اولین قدم اجازه دهند رسانه‌ها واقعیت‌ها را بگویند.

**به نظر می‌رسد بخشی از مدیران میانی که اتفاقاً در وقوع برخی مسائل مؤثرند، علاقه‌ای به حل موضوع ندارند.**

حاکمیت در رأس مقام معظم رهبری را دارد که ایشان علاقه قلبی و نزدیک به مردم اهل سنت علی‌الخصوص سیستان و بلوچستانی‌ها دارند. بارها به اینجا سفر کرده‌اند و فکری می‌کنم اولین نماینده حضرت امام (ره) در سیستان و بلوچستان ایشان بودند و قبل از انقلاب در ایرانشهر تبعید بودند. به جریان‌های مختلف، علمای اهل سنت، علمای شیعه و شرایط استان کاملاً اشراف دارند و این از گذشته وجود داشته است. درباره اتفاقات سال گذشته ایشان نماینده ویژه فرستادند تا ماجرا حل و پیگیری شود. خیلی پیگیری بودند کار حل‌شده و پرونده به نتیجه برسد. حاکمیت ما ایشان هستند. ایشان تمام تصمیمات و دستوراتی که دادند مبنی بر این بوده است که مسائل



حل‌شود. بقیه هم دنبال قضیه بودند ولی در این وسط تفاوت اینها با رهبری یک انقلابی بودن مقام معظم رهبری در این سن است که ایشان می‌گویند باید صراحتاً با خطایی برخورد شود و دومین نکته این است که رهبری به رسانه اعتقاد دارند اما یک سری از مسئولان رسانه را دست‌وپاگیر می‌دانند و به آن اعتقادی ندارند. مساله اینجا است. واقعا تاسف می‌خورم. اگر ما در کشوری بودیم که مستندسازان داشتیم یا مستندساز معتقد به نظام نبود، این مدل برخورد با جریان مستند ترجمه‌ی داشت. اما اینجا این همه مستندساز هستند که کار خوب می‌سازند، دغدغه کشور خود و مردم را دارند. اما در بزنگاه برای پخش کارهایشان حمایت نمی‌شوند و یکباره می‌گویند نباید پخش شود، فیلم آرشو می‌شود و هر روز می‌بینید مسائلی که پیش می‌آید نشأت‌گرفته از همین نادیده گرفتن رسانه است.

**همچنان یک کار جدی در پاسخ به اتفاقات سال گذشته نداریم و این را اضافه کنید به آن تصویر ناقصی که سال‌هاست از این منطقه به بیرون ارائه شده و نتیجه‌اش این بوده که بخشی از مردم آنجا، خودشان را سوازی ساختار حاکمیت ببینند. اینها باعث می‌شود که منطقه مستعد هر گونه تحرک و سوءاستفاده بیرونی باشد. سوال من این است که چقدر فکر می‌کنید اتفاقی که نیمه شب ۲۴ آذر امسال رخ داد و حمله به کلاترزی راسک و کشته شدن مظلومانه نیروی انتظامی، نتیجه همین رویکرد بی‌پاسخ گذاشتن سوالات و ابهامات بوده است؟**

الان داغدار هستیم، این فاجعه سنگینی است. اقدام تروریستی بزرگی انجام شده و شرایط بحرانی ایشان جلوه نمی‌آیند. آقا چه صورت مستقیم در چند دیدار بیان کردند که به لحاظ رسانه‌ای ضعیف هستیم؟ حدود هفت، هشت سال پیش در جلسه‌ای بودم که ایشان فرمودند جهاد امروز رسانه‌ای است. اما انگار این مسئولان درک نمی‌کنند و همیشه فکر می‌کنند مستندسازان، خبرنگاران و عکاسان دست و پاگیر هستند و باعث دردسر می‌شوند و تنش درست می‌کنند. شاید اتفاقات بدی هم بیفتد و دو خبیر هم در برود و مشکل درست کند ولی برآیندش مثبت است.

**همچنان این مقاومت برای نشان دادن تصویر واقعی اتفاقات سال گذشته سیستان و بلوچستان وجود دارد. آثاری که در این باره ساخته شده، هنوز اجازه انتشار ندارد. درحالی که همین کارها می‌توانست پاسخ‌ی باشد به بخشی از ابهامات و اتفاقاتی که سال گذشته رخ دادند اما انگار هنوز این هضم و رواداری نسبت به گفتن واقعیت وجود ندارد؟**  
من که هیچ، صحبت‌های آیت‌الله محامی امام جمعه و پیگیری‌های او را بخوانید. او از روند رسیدگی به پرونده ۸ مهره گلابه دارد و می‌گوید عده زیادی از واقعه هشت مهر سال گذشته گلایه‌مندند و همچنان سوال دارند که ما برای بخشی از اینها جوابی نداریم. ببینید هنوز ایشان به عنوان نماینده مقام معظم رهبری در سیستان و بلوچستان قانع نشده‌اند و دنبال این هستند که ببینیم چطور شد و چرا پیگیری و رسانه‌ای نمی‌شود. پس ابهامات وجود دارد اما نمی‌گذارند پاسخ داده شود. با این دست فرمان رفتن کار را در این استان سخت‌تر می‌کنند، باید فکری به حال این ماجرا شود و در اولین قدم اجازه دهند رسانه‌ها واقعیت‌ها را بگویند.

به نظر می‌رسد بخشی از مدیران میانی که اتفاقاً در وقوع برخی مسائل مؤثرند، علاقه‌ای به حل موضوع ندارند.

حاکمیت در رأس مقام معظم رهبری را دارد که ایشان علاقه قلبی و نزدیک به مردم اهل سنت علی‌الخصوص سیستان و بلوچستانی‌ها دارند. بارها به اینجا سفر کرده‌اند و فکری می‌کنم اولین نماینده حضرت امام (ره) در سیستان و بلوچستان ایشان بودند و قبل از انقلاب در ایرانشهر تبعید بودند. به جریان‌های مختلف، علمای اهل سنت، علمای شیعه و شرایط استان کاملاً اشراف دارند و این از گذشته وجود داشته است. درباره اتفاقات سال گذشته ایشان نماینده ویژه فرستادند تا ماجرا حل و پیگیری شود. خیلی پیگیری بودند کار حل‌شده و پرونده به نتیجه برسد. حاکمیت ما ایشان هستند. ایشان تمام تصمیمات و دستوراتی که دادند مبنی بر این بوده است که مسائل